ضيوف الرحمن
hajjumrh.com

جمعية خدمة المحتوى
الإسلامي باللغات

مختصری در بیان کیفیت ادای حج

فارسي

فارسی

ضيوف الرحمن
hajjumrh.com

شركاء التنفيذ :

دار الإسلام

بيان الإسلام

رواد التراجم

المحتوى الإسلامي

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص

Tel : +966 50 244 7000
info@islamiccontent.org
Riyadh 13245-2836
www.islamiccontent.org

مختصری در بیان کیفیت ادای حج

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر پیامبرمان محمد و بر همه‌ی آل و اصحابشان باد.

اما بعد؛

آنچه پیش‌رو دارید مختصری در بیان شیوه ی ادای حج می‌باشد که در آن سعی نمودیم اغلب مسائلی را بیان کنیم که حاجی به آنها نیاز دارد.

از الله متعال می‌خواهیم که این تلاش را خالصانه برای ذات بخشنده و بزرگوارش قرار دهد و عموم مسلمانان را از آن بهره‌مند گرداند.

کمیته علمی انجمن خدمت به محتوای اسلامی به زبان‌های مختلف

مبحث اول: شروط قبول شدن عبادت:

عبادت نزد الله متعال پذیرفته نمی‌شود مگر به دو شرط:

اخلاص؛

به این معنا که نیت او از عبادت فقط کسب رضایت الله متعال و سرای آخرت باشد؛ الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ...﴾ [1]"،

«و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند، درحالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل،] به توحید روی آورند». [بینه: 5][1] [البینه: ۵]

و رسول الله -صلی الله علیه و سلم- فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى». «اعمال وابسته به قصد و نیت ها هستند و برای هرکس فقط همان است که نیت کرده است».[2]

پیرویِ قولی و عملی از پیامبر -صلی الله علیه و سلم- در عبادت؛

رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- فرمودند: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ». «هرکس در این امر ما (دین ما) چیز جدیدی ایجاد کند که در آن نیست، مردود است».[3] به روایت بخاری (2697) و مسلم (1718)؛ و در روایت مسلم (1718) چنین آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ». «هرکس عملی انجام دهد که امر ما بر آن نباشد، مردود است».[4]

---

[1] یعنی: به الله تعالی و عبادتش روی آورند و از غیر آن روی گردانند. تفسیر سعدی (ص 538)
[2] به روایت بخاری (1)، و مسلم (1907).
[3] به روایت بخاری (2697)، و مسلم (1718).
[4] به روایت مسلم (1718).

مبحث اول: احكام مواقيت:

- **مواقیت:** عبارتند از مکان‌هایی که رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- تعیین کردند تا کسی که قصد حج یا عمره دارد در آنها احرام ببندد.

- **بنابراین کسی که نیت انجام حج یا عمره را داشته باشد و از یکی از آنها بگذرد،** بر او واجب است که در آن احرام ببندد و برای او جایز نیست که بدون احرام از آنها عبور کند.

- **و کسی که از این مواقیت به مکه نزدیک‌تر است،** میقات و محل احرام بستن او همان جایی است که در آن است و از آنجا برای حج و عمره احرام می‌بندد.

- **اما اهل مکه و کسانی که در آن اقامت دارند،** برای حج در مکه احرام می‌بندند؛ اما برای عمره به خارج از منطقه حرم رفته و در آنجا احرام می‌بندند، به عنوان مثال در تنعیم و مانند آن احرام می بندد.

- **و آنکه در هواپیما باشد، وقتی به راستای میقات می‌رسد، احرام می‌بندد؛** و به این ترتیب پیش از آنکه به راستای میقات برسد، آماده شده و لباس احرام به تن می‌کند و چون در راستای آن قرار گرفت، همان لحظه نیت احرام می‌کند و برای او جایز نیست که نیت احرام را تا فرود آمدن در فرودگاه به تأخیر بیندازد؛ و این امکان برای او وجود دارد که احتیاط نموده و پیش از قرار گرفتن در راستای میقات، لبیک بگوید، تا مبادا به دلیل سرعت هواپیما، مکان تلبیه را از دست بدهد.

مبحث دوم: انواع مناسک و احکام آنها:

مناسک حج سه نوع هستند:
تمتع، اِفراد، قِران.

- برای کسی که همراه خود قربانی نیاورده است، بهترین مناسک، **تمتع می‌باشد که عبارت است از:** احرام بستن برای عمره در ماه‌های حج که در پی آن طواف و سعی نموده و از احرام خارج می‌شود، سپس در همان سال برای حج احرام می‌بندد.

- **حج اِفراد این است که:** فقط برای حج احرام می بندد؛ وقتی به مکه رسید، برای او سنت است که طواف قدوم را انجام داده و سپس برای حج سعی کند و نه سر خود را بتراشد و نه موی خود را کوتاه کند؛ و از احرامش بیرون نمی‌آید؛ بلکه محرم باقی می‌ماند تا بعد از رمی جمره‌ی عقبه در روز عید، از احرام خارج می‌شود. و اگر سعیِ حج را تا بعد از طواف حج به تأخیر بیندازد، اشکالی نَدارد.

- **حج قِران:** این است که برای عمره و حج با هم احرام ببندد و بگوید: (لبيك اللهم عمرة وحجاً).
عملکرد حاجی قارن همچون عملکرد حاجی افراد است و تفاوتی با هم ندارند جز اینکه حاجی قارن باید قربانی کند و حاجی افراد قربانی به عهده ندارد.

ضیوف الرحمن
hajjumrh.com

مبحث سوم: شیوه‌ی احرام و احکام آن

برای کسی که قصد احرام دارد، موارد زیر مشروع است:

- غسل کردن که در حق مردان و زنان، حتی زنانی که در عادت ماهانه یا در وضعیت نفاس هستند، سنت موکده می‌باشد.

- استفاده از خوشبویی با خوشبوترین عطری که در دسترس دارند؛ مانند استفاده از روغن عود یا مانند آن بر روی سر و ریش؛ و بقای آن بعد از احرام اشکالی متوجه او نمی‌کند. اما برای زنان جایز نیست از نوعی خوشبویی استفاده کنند که دارای بو است، چون بوی آن به مشام مردان نامحرم می‌رسد.

- پوشیدن لباس احرام که دو تکه‌ی پارچه شامل لنگ و رداء می‌باشد؛ و سنت این است که سفید و پاکیزه یا جدید باشند؛ و زنان می‌توانند در هر لباسی که بخواهند محرم شوند، به شرطی که با زینتی همراه نباشد؛ اما باید از پوشیدن نقاب و دستکش اجتناب کنند و صورت و دستان را با چیزی غیر از آنها بپوشانند.

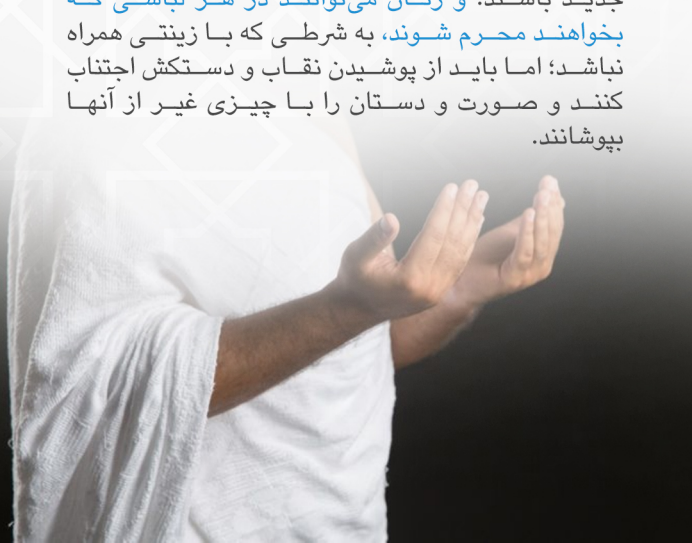

- **احـرام پـس از نمـاز مشروع اسـت**، چه این نمـاز فرض باشد یا نفل؛ و این واجب نیست.

و بـه ایـن ترتیـب می‌گویـد: (لبیـک اللهـم عمرة) اگـر نیت عمـره دارد؛ یـا (لبیـک اللهم حجـاً) در صورتی کـه نیت حج اِفـراد دارد؛ یـا می‌گویـد: (لبیـک اللهـم عمـرة وحجـاً) اگر نیت حج قران دارد.

و اگر کسـی کـه قصد بسـتن احـرام را دارد و از مانعی بیم دارد کـه ممکن اسـت او را از تکمیل مناسـک بـازدارد، برای او جایز اسـت که هنگام احـرام شرط کند و بگویـد: «...وَإِنْ حَبَسَـنِي حَابِـسٌ فَمَـحِلِّي حَيْـثُ حَبَسْـتَنِي» «... و اگر چیزی مانـع من شـد، خارج شـدنم از احـرام همان جایی اسـت که مـرا بازداشـته‌ای». بنابراین چون این مسـاله را شرط کند و چیـزی مانـع تکمیـل مناسـکش شـود، از احرام خـارج می شود و چیزی بر عهده‌ی او نیست.

- **سـپس تا می‌توانـد تلبیـه می‌گویـد**: (لَبَّيْـكَ اللَّهُـمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْـكَ لَا شَرِيـكَ لَـكَ لَبَّيْـكَ، إِنَّ الْحَمْـدَ وَالنِّعْمَـةَ لَـكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيـكَ لَـكَ) مـردان آن را بـا صـدای بلنـد می‌گوینـد و همچنیـن زنـان آن را با صـدای بلنـد می‌گوینـد، مادامی که در حضـور مـردان نباشـند. شایسـته‌ی محرم همین اسـت کـه زیاد لبیـک بگویـد، به ویـژه به هنـگام تغییـر احوال و ازمـان؛ماننـد وقتـی که بـه جایی بـالا یـا پایین مـی‌رود یا شب یا روز روی می‌آورد.[5]

---

[5] اینکـه حاجـی پـی در پـی می‌گویـد: (لَبَّيْـكَ)؛ به این معناسـت کـه: پروردگارا نـدای تـو را اجابت نمـودم؛ به این معناسـت کـه انسـان نـدای پـروردگارش را اجابـت می‌کنـد و بـه طاعـت او می‌پـردازد. (إِنَّ الْحَمْـدَ وَالنِّعْمَـةَ لَكَ) «الحمـد» عبـارت اسـت از توصیـف محمـود به کمال تـوام با محبـت و تعظیـم؛ و چون تکرار شـود، ثنا و سـتایش می‌شـود. و «النعمـة» همـان اسـت که اللـه متعال به وسـیله‌ی آن بـر بندگانش لطف نموده اسـت و شـامل حصول مطلـوب و دفـع مکروه می‌باشـد. و اینکـه می‌گویـد: «وَالْمُلْكَ» یعنی پادشـاهی از آن توسـت؛ و مالـک حقیقی فقط اللـه متعـال اسـت. و اینکـه می‌گویـد: (لَا شَرِيـكَ لَـكَ) یعنی هیچ کسـی با تـو در آنچـه مخصوص توسـت، شریک نبـوده و شراکتـی نـدارد؛ از جملـه در صفات کامل تـو مانند یکتایـی و یگانگی در پادشـاهی و آفرینـش و تدبیر و الوهیت. [مجموع فتاوی ورسائل العثیمین (22/ 96) به اختصار].

لبیک گفتن در عمره، از هنگام احرام تا آغاز طواف مشروع است؛ و در حج، از هنگام احرام تا آغاز سنگ زدن به ستون عقبه در روز عید مشروعیت دارد.

بر محرم واجب است تا خارج شدن از احرامش، از ارتکاب ممنوعات احرام پرهیز کند.

مبحث چهارم:
ممنوعات احرام

ممنوعات احرام عبارتند از:

- تراشیدن مو یا کوتاه کردن آن یا کندن آن از هر جایی از بدن.

- کوتاه کردن همه‌ی ناخن‌ها یا برخی از آنها از پاها یا دست‌ها.

- پوشیدن سر با چیزی که به آن بچسبد مانند کلاه و شال و عمامه و قرار دادن ردا یا دستمال بر سر یا پارچه و کارتون یا هر چیز دیگری که با هدف پوشش از آن استفاده شود. و این حکم فقط مخصوص مردان است نه زنان.

- پوشیدن لباس عادی و دوخته شده به اندازه‌ی اعضای بدن به همان هیئت عادی و معمولی همیشگی؛ مانند: لباس دوخته شده، شلوار، پیراهن، جوراب و دستکش. و این مخصوص مردان است نه زنان؛ و زنان فقط از موارد زیر نهی شده‌اند:
پوشیدن نقاب یا برقع یا روبند که مشابه نقاب است؛ اما بر زنان واجب است که صورت خود را نزد مردان نامحرم با چیزی بپوشانند که معمولا صورت را می‌پوشاند؛ هرچند این پوشش با صورتش در تماس باشد؛ و برای او مشروع نیست که نگه‌دارنده‌ای [مانند کاپ کلاه] بر سرش قرار دهد تا با مبادا پارچه به صورتش تماس پیدا کند؛ چون دلیلی برای مشروعیت آن وجود ندارد.

پوشیدن دستکش؛ و بر زنان واجب است که دست های خود را با قراردادن آنها در داخل عبایشان، از مردان بیگانه بپوشانند.

- استفاده از خوشبویی در بدن یا لباس احرام.
- کشتن صید و شکار در خشکی یا به دام انداختن آن، هرچند آن را نکشد.
- خواستگاری کردن برای خود یا دیگران.
- عقد ازدواج
- تماس جنسیِ کمتر از آمیزش جنسی در محل شرمگاه؛ مانند بوسیدن و لمس با شهوت.
- جماع (آمیزش جنسی در محل شرمگاه).

مبحث پنجم: روش طواف

- چون محرم وارد مسجدالحرام گردید، برای او سنت است که با پای راست وارد شود و دعای وارد شدن به مسجد را بخواند؛ و صحیح‌ترین دعایی که در این زمینه وارد شده آن است که بگوید: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»: «بارالها، درهای رحمتت را به روی من بگشای». و این دعا را به هنگام ورود به هر مسجد می‌خواند و مخصوص مسجد الحرام نیست.

- و چون قصد شروع طواف را داشت، اضطباع می کند؛ به این معنا که وسط ردایش را زیر بغل راستش قرار داده و دو طرف آن را بر کتف چپش می‌اندازد؛ و چون از طواف نمودن فارغ شد، ردای خود را به حالت پیش از طواف درمی‌آورد؛ چون محل اضطباع، فقط طواف است.

- سپس به سوی حجرالاسود می‌رود و آن را با دست راستش لمس نموده و می‌بوسد؛ و اگر بوسیدن آن میسر نبود، با دستش آن را لمس می‌کند و دستش را می‌بوسد؛ و اگر لمس کردن آن با دست هم میسر نبود، با چیزی که به همراه دارد، مانند عصا و شبیه آن لمسش نموده و آن را می‌بوسد. و اگر این مقدار هم برای او میسر نبود، رو به حجرالاسود نموده و با دستش به سوی آن اشاره می‌کند و این بار دستش را نمی‌بوسد؛ و بهتر این است که برای دیگران مزاحمت ایجاد نکند و سبب اذیت و آزار مردم نشود.

- و بـه هنـگام لمـس حجرالاسـود یا اشـاره بـه آن «الله اکبر» می‌گوید.
- سـپس بـه گونـه‌ای می‌ایسـتد کـه خانـه کعبـه در سـمت چـپ او قـرار بگیـرد؛ و چـون به رکـن یمانی رسـید، آن را لمـس می‌کند و دسـتش را نمی‌بوسـد؛ و اگـر ایـن کار بـرای او میسر نبـود، به خاطـر آن خود را بـه زحمـت نمی‌انـدازد و به سـوی آن اشـاره نمی کند.
- و بیـن رکـن یمانـی و حجرالاسـود ایـن دعـا را مـی خوانـد: «رَبَّنَا آتِنَـا فِی الدُّنْیَا حَسَـنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَـنَةً وَقِنَـا عَـذَابَ النَّـارِ»: «پروردگارمـان، بـه مـا در دنیا نیکـی و در آخـرت نیکی عطـا بفرما و مـا را از عذاب دوزخ نجات بده».
- و هـر بار کـه از حجرالاسـود می‌گذرد، با دسـتش به سوی آن اشاره می‌کند و «الله اکبر» می‌گوید.
- و در سـایر طوافـش، هـر ذکـر، دعـا و قرائـت هـر بخشی از قرآن را که دوست دارد، می‌خواند.

- سنت است که فقط در سه دور اول (که به هر دور یک شوط می گویند) رمل کند؛ و رمل به معنای سرعت بخشیدن به راه رفتن با نزدیک کردن گام‌ها به هم می‌باشد. اما در چهار دور باقی، رمل نمی‌کند و به صورت عادی حرکت می‌کند.

- و چون طواف را به پایان رساند، نزد مقام ابراهیم می‌رود و این آیه را می‌خواند: ﴿وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِـۧمَ مُصَلًّى﴾ [البقرة: 125] «و [مقرر کردیم که] مقام ابراهیم را نمازگاهی برای خویش انتخاب کنید». سپس چنانچه میسر بود، دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم می‌خواند و اگر امکان نداشت، در هر جایی از مسجد که ممکن باشد می‌خواند؛ و به این ترتیب در رکعت اول بعد از سوره‌ی فاتحه «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و در رکعت دوم بعد از سوره‌ی فاتحه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را می‌خواند.

﴿...وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِـۧمَ مُصَلًّى...﴾،

(...و از مقام ابراهیم نمازگاهی قرار دهید...)، [البقرة: 125] سپس در صورت امکان، دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم بخواند، و اگر ممکن نبود در هر جایی از مسجد الحرام آن دو رکعت را بخواند. در رکعت اول، پس از سوره فاتحه، این سوره را بخواند:

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ [الكافرون:١] و در رکعت دوم پس از سوره فاتحه، این سوره را بخواند:

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾. [الإخلاص: ١]

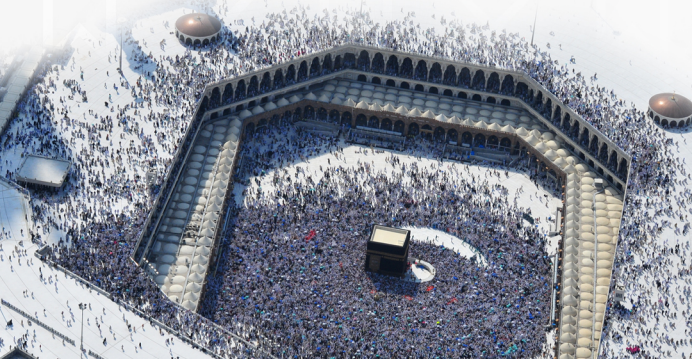

مبحث ششم: روش سعی

- و زمانی که از طواف و دو رکعت آن فارغ شد، به محل سعی می‌رود؛ و چون به صفا نزدیک شد، این آیه را می خواند: ﴿إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ﴾ [البقرة: 158] «صفا و مروه از نشانه‌های [ظاهریِ شریعتِ] الله است». سپس می‌گوید: «أبدأ بما بدأ الله به»: «از جایی آغاز می کنم که خداوند از آن آغاز کرده است».

﴿إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ...﴾

(صفا و مروه از نشانه‌های [ظاهری شریعتِ] الله هستند...). سپس می‌گوید: «أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللهُ بِهِ». (با آنچه الله آغاز کرده، من هم آغاز می‌کنم)[6].

- آنگاه از صفا بالا می‌رود تا کعبه یا جهت آن را ببیند، پس رو به کعبه می‌کند و الله متعال را به یگانگی و یکتایی یاد نموده و تکبیر گفته و می‌گوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ.» و آن را سه بار تکرار می‌کند و در این بین دعا می‌خواند. ترجمه‌ی ذکر مذکور: «معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و شریکی ندارد؛ پادشاهی و حمد و ستایش برای اوست؛ و او بر هر چیزی تواناست؛ معبود بر حقی جز او نیست، یکتاست، وعده‌اش را تحقق بخشید و بنده‌اش را یاری نمود و به تنهایی همه‌ی احزاب و گروه‌ها را شکست داد». «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»، ثُمَّ دَعَا بَيْنَ ذَلِكَ. قَالَ مِثْلَ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

---

[6] به روایت مسلم (1218).

(«هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و شریکی برای او نیست؛ پادشاهی و فرمانروایی برای اوست و حمد و ستایش برای اوست؛ و او بر هر چیزی قادر و تواناست؛ معبود بر حقی جز او نیست، یکتاست، وعده‌اش را تحقق بخشید و بنده‌اش را یاری نمود و احزاب و گروه‌ها را به تنهایی شکست داد»؛ سپس میان این هرچه خواست دعا می‌کند و دعای مذکور را سه بار تکرار می‌کند)[7].

- سپس از صفا پایین آمده و قدم‌زنان به سوی مروه می رود؛ و چون به علامت سبز رسید، به سرعت خود می‌افزاید و شتاب می‌کند؛ و چون به علامت سبز دوم رسید، به صورت معمولی ادامه می‌دهد؛ و این شتاب بخشیدن به سرعت خود در راه رفتن، برای زنان مشروع نیست.[8]

- چون به مروه رسید، برای او مشروع است که همان کارهایی را انجام دهد که در صفا انجام داد. (بخش شماره 2).

- سپس از مروه پایین آمده و قدم‌زنان به سوی صفا حرکت می‌کند؛ و چون به علامت سبز رسید به سرعت خود می افزاید و شتاب می‌کند و وقتی به علامت سبز دوم رسید، به صورت معمولی حرکت خود را ادامه می‌دهد.

- به همین ترتیب عمل می‌کند تا هفت دور کامل شود؛ چنانکه حرکت او از صفا به سوی مروه یک دور و بازگشت وی از مروه به صفا یک دور دیگر محسوب می‌شود.

- و در سعی خود هر ذکر و دعا و تلاوت قرآنی که دوست داشته باشد، می‌گوید و می‌خواند.

---

[7] به روایت مسلم (۱۲۱۸).

[8] امروزه این علامت‌ها به‌صورت مهتابی یک‌پارچه سبز قرار دارند که دویدن از آغاز آن شروع شده و آخر آن پایان می‌یابد.

مبحث هفتم: روش تراشیدن و کوتاه کردن موی سر

- زمانی که عمره‌گزار طواف و سعی خود را به پایان رساند، بر او واجب است که سرش را بتراشد یا از موهای سرش کوتاه کند، در صورتی که مرد است؛ و سنت این است که تراشیدن یا کوتاه کردن شامل همه‌ی سر باشد.

- و فضیلت تراشیدن سر بیش از کوتاه کردن است؛ مگر اینکه وقت حج نزدیک باشد، به گونه‌ای که وقتی برای رشد موی سر نباشد؛ در این صورت بسنده نمودن به کوتاه کردن بهتر است.

- اما زنان از اطراف موهای خود به اندازه‌ی یک بند انگشت کوتاه می‌کنند.

- ولی کسی که احرام حج بسته است، چه حج او افراد باشد یا قران، از موی خود نمی‌گیرد مگر در روز عید بعد از سنگ زدن به ستون عقبه.
و به این ترتیب عمره‌ی عمره‌گزار به پایان می رسد و همچنین مناسک عمره‌ی حاجی تمتع به پایان می‌رسد.

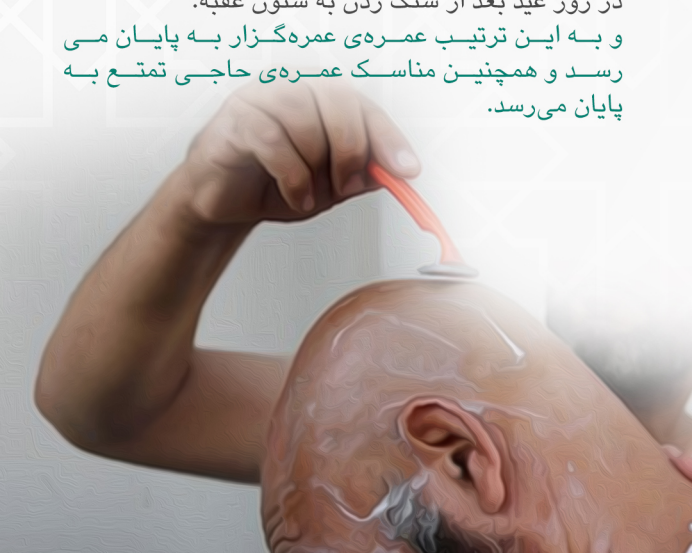

ضیوف الرحمن
hajjumrh.com

روش انجام حج

مبحث اول: احرامِ حج

- برای کسی که قصد حج دارد، **سنت است که در وقت چاشتگاه روز ترویه** یعنی در روز هشتم ذوالحجه از مکانی که از آن اراده‌ی حج دارد، احرام ببندد؛ و این در صورتی است که در مکه باشد یا در فاصله‌ی میان مواقیت و مکه؛ وگرنه از میقاتی احرام می‌بندد که از آن می‌گذرد.

- و هنگام احرام بستن برای حج، همان کارهایی را انجام می‌دهد که به هنگام احرام برای عمره انجام می‌دهد؛ **غسل نمودن و استفاده از خوشبویی و نماز خواندن؛** و به این ترتیب برای حج احرام می‌بندد و لبیک می‌گوید. و شیوه‌ی تلبیه گفتن در حج همان شیوه‌ی تلبیه گفتن در عمره است، جز اینکه در اینجا به جای (لبیک عمرةً) می‌گوید: (لبیک حجاً).

- **و اگر بیم آن داشت** که مانعی سبب به تعویق افتادن و تکمیل مناسک او شود، برای او جایز است که هنگام احرام شرط بگذارد و بگوید: «...وَإِنْ حَبَسَنِي حَابِسٌ فَمَحِلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي». «.. و اگر مانعی مرا از ادامه‌ی مناسک بازداشت، خارج شدن من از احرام همان جایی است که مرا از ادامه مناسک بازداشتی». و چون شرط بگذارد و مانعی در مسیر اتمام مناسک ایجاد شود، از احرام خارج می‌شود و چیزی بر عهده‌ی او نخواهد بود.

- **سپس تا می‌توانند تلبیه می‌گویند:** (لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ)؛ و مردان به هنگام گفتن آن صدای‌شان را بلند می‌کنند؛ و همچنین زنان، مادامی که در حضور مردان بیگانه نباشند. و شایسته و سزاوار محرم همین است که زیاد لبیک بگوید، به ویژه هنگام تغییر حالت و زمان؛ مانند زمانی که بالا می‌رود یا پایین می‌رود یا شب یا روز روی می‌آورد.

- **مشروعیت لبیک** گفتن از هنگام احرام بستن تا آغاز سنگ زدن به ستون عقبه در روز عید می‌باشد.

- **بر محرم واجب است** تا خارج شدن از احرام، از ارتکاب ممنوعات احرام خودداری نموده و حذر کند.

مبحث دوم: مبیت (شب ماندن) در مِنا

سپس برای او سنت است که در روز هشتم به سوی منا خارج شود و نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء و صبح را در منا به صورت قصر و نه جمع بخواند؛ چون رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- نمازها را در منا قصر نمود و جمع نکرد.

مبحث سوم: توقف در عرفات و مبیت در مزدلفه

- سپس چون خورشید در **روز نهم** طلوع نمود که روز **عرفه است**، از منا به طرف عرفات می‌رود و تا هنگام زوال در نمره باقی می‌ماند، اگر برای او میسر باشد؛ وگرنه اشکالی متوجه او نیست؛ چون ماندن در نمره سنت است.

- و چون خورشید زوال نمود، **نماز ظهر و عصر را دو رکعت دو رکعت می‌خواند و میان آنها جمع تقدیم می‌کند**، چنانکه رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- انجام دادند.

- پس از نماز **مشغول ذکر و دعا و تضرع به درگاه خداوندی می‌شود** و هر دعایی را که دوست دارد با دست‌های بالا و رو به قبله می‌خواند.

- **بیشترین دعای پیامبر -صلی الله علیه و سلم-** درعرفات، این توقفگاه بزرگ و والامقام این بوده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

- اگر خسته شد و خواست با صحبت کردن با همراهانش در مورد چیزهای مفید و سودمند یا خواندن کتاب‌های مفید، به ویژه در مورد سخاوت و بزرگواری و عطا و بخشش‌های خداوند متعال، این خستگی را برطرف کند، تا امیدواری او در آن روز مبارک تقویت شود، کار خوبی است؛ سپس به زاری و تضرع به درگاه خداوندی و دعای او بازمی‌گردد و این فرصت را تا آخر روز، با دعا کردن غنیمت می‌شمارد که بهترین دعا، دعای روز عرفه است.

- **و چون خورشید در روز عرفه غروب نمود،** به سوی مزدلفه حرکت می‌کند.

- **و چون به مزدلفه رسید،** نماز مغرب را سه رکعت و نماز عشاء را دو رکعت با هم جمع نموده و می‌خواند.

- و اگر بیم آن داشت که مبادا تا نیمه‌شب به **مزدلفه نرسد،** نماز می‌خواند ولو قبل از رسیدن به مزدلفه باشد؛ و جایز نیست که نماز را تا بعد از نیمه‌شب به تأخیر بیندازد.

- **و شب را در مزدلفه می‌ماند؛** وقتی فجر طلوع نمود، نماز صبح را در اول وقت، با اذان و اقامه می‌خواند.

- **سپس قصد مشعر الحرام** می‌کند و الله متعال را به یکتایی و یگانگی یاد نموده و تکبیر می‌گوید و هر دعایی را که دوست دارد می‌خواند تا خوب هوا روشن شود؛ و اگر رفتن به مشعرالحرام برای او میسر نشد، در همان جایی که هست دعا می‌کند؛ چراکه رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- فرمودند: «وقفت هاهنا وجمع کلها موقف»: «اینجا توقف نمودم و تمام مزدلفه محل توقف است». و در حین ذکر و دعا، با دستان بلند رو به قبله می‌باشد. «وَقَفْتُ هَاهُنَا وَجَمْعٌ كُلُّهَا مَوْقِفٌ»، (من اینجا ایستادم و تمامی مزدلفه محل ایستادن است). و در حالت ذکر و دعا باید رو به قبله باشد و دستانش را بلند می‌کند.

مبحث چهارم:
اعمال روز عید

- **وقتی خوب هوا روشن شد**، قبل از طلوع خورشید، از مزدلفه به سوی منا حرکت می‌کند و در وادی محسر به حرکت خود سرعت می‌دهد.

- **چون به منا رسید**، ستون عقبه را سنگ می‌زند که آخرین ستون برای کسی است که به سمت مکه می رود؛ آن را با هفت سنگ پشت سرهم، یکی پس از دیگری رمی می‌کند که هر سنگی تقریباً به اندازه‌ی یک دانه خرما می‌باشد و با انداختن هریک از آنها تکبیر می‌گوید.

- **سپس قربانی خود را ذبح می‌کند**، چنانچه میسر بود.

- **آنگاه سرش را می‌تراشد یا موهای سرش را کوتاه می‌کند، اگر مرد باشد؛** و تراشیدن در حق مردان افضل‌تر است؛ اما برای زنان، کوتاه کردن موها مشروعیت دارد نه تراشیدن آنها.

- **به این ترتیب چون رمی (سنگ زدن) و تراشیدن موهای سر را انجام دهد**، برای بار اول از احرام خارج می‌شود که به آن تحلل اول می‌گویند؛ و اینگونه همه چیز برای او حلال می‌شود، جز [آمیزش جنسی و مقدمات آن] با زنان.

سپس به مکه می‌رود **و طواف افاضه را نجام داده، سپس سعی حج را انجام می‌دهد**، اگر حج او تمتع یا افراد یا قران بوده و بعد از طواف قدوم سعی نکرده است، می‌تواند طواف و سعی را تا شب یا روز دوم – هرگاه که برای او میسر بود – به تأخیر بیندازد.

مبحث پنجم: اعمال ایام تشریق

- **وقتی رمی و تراشیدن سر و طواف و سعی را انجام داد،** به کلی از احرام خارج می‌شود و همه چیز حتی زنان برای او حلال می‌شود.

- **آنگاه به منا** می‌رود و شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در آن سپری می‌کند.

- **و به این ترتیب پس از زوال خورشید،** سنگ زدن به ستون‌های سه‌گانه را انجام می‌دهد.

- **چنانکه در روز یازدهم،** ستون اول که دورترین ستون از مکه و نزدیک‌ترین آنها به مسجد خیف است، با هفت سنگریزه، پشت سر هم یکی پس از دیگری رمی می‌کند و با هر سنگریزه الله اکبر می‌گوید. سپس کمی جلو رفته و در هر موردی که دوست دارد، دعایی طولانی می‌کند. و اگر توقف و دعای زیاد بر او سخت و دشوار بود، چنانکه برای او میسر است دعا کند ولو اندک باشد، تا به سنت عمل کرده باشد.

- سپس به همین ترتیب سنگ زدن به **ستون وسطی** را انجام می‌دهد و بعد از آن دعا می‌کند.

- و پس از آن به همین صورت سنگ زدن به **ستون عقبه** را انجام می‌دهد و این بار بازمی‌گردد و بعد از آن دعا نمی‌خواند.

- سپس سنگ زدن به **ستون‌ها** را همچون روز یازدهم، در روز دوازدهم انجام می‌دهد؛ و چون سنگ زدن به ستون‌ها را تکمیل نمود، اگر بخواهد می‌تواند عجله نموده و منا را ترک کند.

- و اگر بخواهد می‌تواند **تأخیر** نموده و شب سیزدهم را در منا بماند و سنگ زدن به ستون‌های سه‌گانه را بعد از زوال، همچون دو روز گذشته انجام دهد؛ و این تأخیر نمودن افضل تر است.

- و تأخیر نمودن [از ترک منا] تا روز سیزدهم واجب نیست مگر اینکه درحالی خورشیدِ روز دوازدهم غروب کرده باشد که حاجی در منا باشد؛ در این صورت تأخیر نمودن در ترک منا تا رمی جمرات سه‌گانه بعد از زوال خورشید در روز سیزدهم واجب است.

- **اما اگر در روز دوازدهم و بدون اختیار وی**، خورشید بر او غروب نمود، به عنوان مثال قصد حرکت نموده و سوار بر وسیله‌ی نقلیه شد، اما به سبب ترافیک و مشکلاتی از این قبیل، ترک منا به تأخیر افتاد؛ در این صورت تأخیر نمودن بر او واجب نیست، چون تأخیر وی تا غروب، بدون اختیار او بوده است.

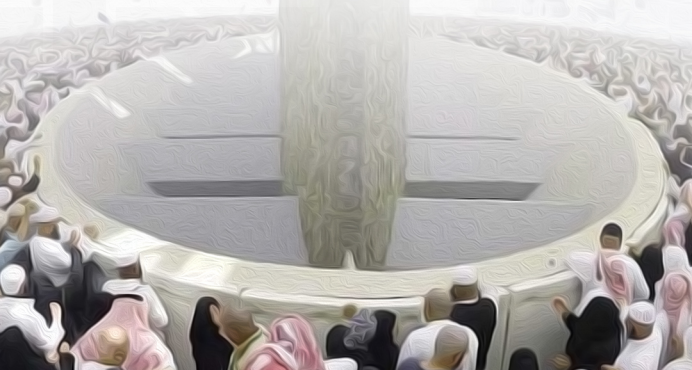

مبحث ششم: طواف وداع

- **و زمانی که قصد خارج شدن از مکه به سوی شهر و دیار خود نمود،** تا طواف وداع را انجام نداده، از مکه خارج نمی‌شود.

- **مگر زنی که دچار عادت ماهانه یا نفاس و خونریزی پس از زایمان باشد که این دو گروه،** طواف وداع ندارند؛ و نباید برای وداع نزد دروازه‌ی مسجدالحرام بایستند؛ زیرا چنین توصیه‌ای از رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- وارد نشده است.

- و چون قصد سفر داشت، آخرین عملی که انجام می دهد، طواف وداع باشد.

- **اما اگر بعد از انجام طواف وداع،** در انتظار همراهانش یا حمل کیف‌هایش باقی ماند یا در مسیر خرید ضروری داشت، گناهی متوجه او نیست؛ و لازم نیست طواف وداع را تکرار کند، مگر اینکه سفرش را به تأخیر بیندازد؛ به عنوان مثال ابتدای روز قصد سفر دارد و طواف وداع را انجام می‌دهد، سپس سفرش را تا آخر روز به تأخیر می‌اندازد، در این صورت بر او لازم است که این طواف را تکرار کند تا اینکه آخرین عمل او طواف کعبه باشد.

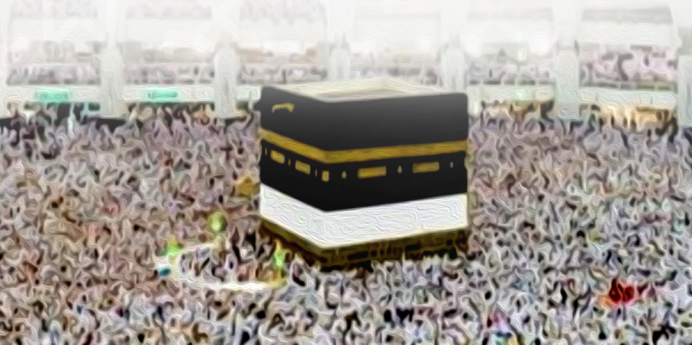

فهرست

مختصری در بیان کیفیت ادای حج	3
پیشگفتار	3
مبحث اول: شروط قبول شدن عبادت:	4
مبحث اول: احکام مواقیت:	6
مبحث دوم: انواع مناسک و احکام آنها:	8
مبحث سوم: شیوه‌ی احرام و احکام آن	11
مبحث چهارم: ممنوعات احرام	15
مبحث پنجم: روش طواف	19
مبحث ششم: روش سعی	23
روش انجام حج	28
مبحث اول: احرامِ حج	29
مبحث دوم: مبیت (شب ماندن) در مِنا	32
مبحث سوم: توقف در عرفات و مبیت در مزدلفه	34
مبحث چهارم: اعمال روز عید	37
مبحث پنجم: اعمال ایام تشریق	39
مبحث ششم: طواف وداع	42

تعرف على الإسلام

بأكثر من 100 لغة

موسوعة القرآن الكريم
QuranEnc.com

ترجمات متقنة لمعاني القرآن الكريم بأكثر من (75) لغة

بيان الإسلام
byenah.com

مواد منتقاة للتعريف بالإسلام وتعليمه بأكثر من (120) لغة

موسوعة الأحاديث النبوية
HadeethEnc.com

ترجمات متقنة للأحاديث النبوية وشروحها بأكثر من (60) لغة

ضيوف الرحمن
hajjumrh.com

مواد منتقاة للحجـــاج والمعتمرين و الزوار بلغات العالم

جامع المحتوى الإسلامي باللغات
islamcontent.com

مواد إسلامية متنوعة وشاملة بأكثر من (125) لغة

موسوعات وخدمات إسلامية باللغات
s.islamenc.com

للمزيد من المواقع الإسلامية بلغـــات العـــالم

ضيوف الرحمن
hajjumrh.com

جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات